

الله اعلم
س
س
س
س
س



دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

« بررسی تطبیقی درون مایه قصه های عامیانه آذربایجان ، مازندران ، لرستان »

استاد راهنما

دکتر باقر صدری نیا

استاد مشاور

دکتر اسداله واحد

پژوهشگر

مریم منفرد نعمتی

بهمن ۹۱

تقدیم به :

پدر و مادر مهربانم و همسر عزیزم

ای برادر قصه چون پیمانہ ایست
معنی اندروی مثال دانه ایست
دایه ی معنی بگیرد مرد عقل
ننگرد پیمانہ را گر کشت نقل
ماجرای بلبل و گل گوش دار
گرچه گفتی نیست آنجا آشکار
ماجرای شمع با پروانه تو
بشنو و معنی گزین ز افسانہ تو
گرچه گفتی نیست سر گفت هست
هین به بالا برمیر چون جغد پست

«مثنوی معنوی ، دفتر دوم ادبیات ۳۵ - ۳۶۳۱»

نام خانوادگی: منفرد نعمتی	نام: مریم
عنوان: بررسی تطبیقی درون مایه قصه های عامیانه آذربایجان ، مازندران، لرستان	
استاد راهنما: دکتر باقر صدری نیا	استاد مشاور: دکتر اسدالله واحد
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	
تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ تعداد صفحات: ۲۱۵	
کلیدواژه ها: آذربایجان، مازندران، لرستان، فولکلور، افسانه، قصه، باورهای مذهبی، ارزشهای اخلاقی	
<p>چکیده:</p> <p>قصه‌ها بخشی از فولکلور ملت‌ها و از قدیمی‌ترین نمونه‌های بازمانده مربوط به آداب و رسوم و اعتقادات و فرهنگ آن‌هاست که مانند آینه‌ای سیمای ارزشی و فرهنگی اقوام و ملت‌ها را نشان می‌دهد، افسانه‌ها در حکم حلقه‌هایی هستند که زنجیره اسناد و مدارک مورد نیاز پژوهش‌های تاریخی و مردم‌شناسی را تکمیل می‌کنند، از آن‌جا که قصه، خود نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی است و ارزش‌های سنتی و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی و سوانح اجتماعی آن‌ها را بازتاب می‌دهد مطالعه و بررسی آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین هدف از انجام این تحقیق مقایسه قصه‌های مربوط به نقاط مختلف کشور می‌باشد تا با مطالعه در قصه‌های مناطق مختلف ایران اختلافات و وجوه مشترک فرهنگی و اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی موجود در بین آن‌ها بررسی کنیم.</p> <p>اهمیت فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناختی قصه‌های باز مانده از دوره‌های گذشته، مطالعه و بررسی آن‌ها را ضروری می‌نماید از این رو در پایان‌نامه حاضر کوشیده‌ایم تا با بررسی و مقایسه قصه‌های سه منطقه آذربایجان، مازندران، لرستان از منظرهای مختلف پاره‌ای از ابهامات مربوط به نحوه ارتباط و پیوستگی قصه‌های مناطق یاد شده را مرتفع سازیم. پیش فرض پژوهش حاضر آن است که با وجود تفاوت‌های اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی، قصه‌های هر سه منطقه از سرچشمه‌های فرهنگی و اعتقادی واحد و همسانی نشأت می‌گیرد و مشترکات آن‌ها به مراتب افزون‌تر از وجود متفاوت آن‌هاست. این پایان‌نامه در پنج فصل تدوین شده است.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	فصل اول کلیات
-	بخش اول:
۴	فولکلور
	خصوصیات افسانه ها
۵	انواع قصه ها
۶	علت ماندگاری قصه ها
۶	نقل و انتقال قصه ها
-	بخش دوم:
۷	بیان مسئله و هدف تحقیق
۹	پیشینه تحقیق
۱۰	فرضیات تحقیق
۱۰	روش انجام کار
۱۱	فصل دوم بررسی افسانه های آذربایجان
۶۶	فصل سوم بررسی افسانه های مازندران
۱۱۹	فصل چهارم بررسی افسانه های لرستان
۱۸۵	فصل پنجم بررسی وجوه مشترک و متفاوت و نتیجه گیری کلی

افسانه‌ها بخشی از فولکلور هر ملتی را تشکیل می‌دهند در واقع افسانه‌ها اسناد و مدارکی هستند که حلقه زنجیره اسناد و مدارک مورد نیاز پژوهش‌های تاریخی و مردم‌شناسی را تکمیل می‌کنند بنابراین در پس هر افسانه‌ای حقیقتی نهفته است که سرشار از ترکیبات و تعبیرهای لطیف زبان‌ها هستند.

افسانه‌های هر ملت و کشوری دارای ویژگی‌هایی است که آنها را از افسانه‌های ملل دیگر متمایز می‌کند در شرایط اقلیمی مختلف و از میان حوادث و شرایط تاریخی گوناگون افسانه‌هایی با خصوصیات متنوع و مختلف زاده می‌شود. اصولاً فولکلور نشان‌دهنده و منعکس‌کننده احوال افکار و آرزوهای طبقات محروم و پایین اجتماع است و هنگامی در آن از اشراف و اعیان و طبقات مسلط و حاکم سخن به میان می‌آید که طبقات محروم به ناچار ضمن امرار معاش و تحصیل روزی با آنان رویا رو می‌شوند.

قصه‌نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی است ارزشهای سنتی و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی و همچنین حوادث و سوانح اجتماعی جدید در آن انعکاس پیدا می‌کند. تحقیق و مطالعه در قصه‌های ملل از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان از طریق آنها به برداشتهایی از زندگی که مبنا و پایه قصه‌هاست پی برد و از جانب دیگر می‌توان از بررسی آنها به کشف روابط بین فرهنگها نایل آمد و برآن پرتو افکند. (ر.ک مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵)

ایران از دیر باز به عنوان یک حلقه اتصال مهم بین منطقه فرهنگی شبه قاره هند و فرهنگهای کشورهای مدیترانه به دنیا ی علم شناسانده شده است. بنابراین در مطالعه فولکلور اقوام این منطقه ایران چه به عنوان سرزمینی که قصه در آن ایجاد شده و چه به عنوان موضعی که قصه‌ها را به نقاط دیگر انتقال داده است دارای اهمیت خاص است با این حال تا به اکنون نه فقط تأثیر قصه‌های ایرانی بر فولکلور ملل دیگر منطقه مطالعه نشده است بلکه بررسی تطبیقی بین قصه‌های عامیانه مناطق مختلف ایران نیز صورت نگرفته است. تحقیق حاضر کوششی برای برطرف کردن این نقیصه محسوب می‌شود.

این پژوهش شامل پنج فصل است، فصل اول آن مربوط به مباحث کلی در خصوص قصه‌های عامیانه و ضرورت انجام این تحقیق است در فصل دوم به بررسی قصه‌های عامیانه آذربایجان پرداخته شده است در فصل سوم افسانه‌های عامیانه مازندران بررسی شده است و فصل چهارم به بررسی افسانه‌های لرستان اختصاص یافته است. در فصل پنجم به بررسی وجوهات مشترک و متضاد قصه‌های عامیانه سه منطقه مذکور و نتایج حاصل از این پژوهش پرداخته شده است.

در پایان لازم می دانم از مساعدت تمام عزیزانی که در فراهم آمدن این پژوهش یاری گرم بودند سپاسگزاری و قدر دانی کنم . به ویژه از جناب آقای دکتر باقر صدری نیا که راهنمایی این پژوهش را برعهده داشته اند و مشوق اینجانب در انتخاب موضوع این پژوهش بوده اند و با راهنمایی های خود کمک شایانی کردند و از علم ادبی ایشان کمال بهره را بردم تشکر و قدردانی کنم و نیز از جناب آقای دکتر اسد الله واحد که مشاوره این پژوهش را برعهده داشتند و اطلاعات علمی ایشان در این حوزه نیز گره گشای بوده است سپاسگزاری می کنم همچنین از کسانی که به نوعی در فراهم آمدن این پژوهش یاری گرم بودند سپاس خود را ابراز و آرزو می کنم . امید است که پژوهش حاضر در پیشگاه صاحبان ادب مقبول افتد و بنده را از لغزشهایی که بر قلم رفته آگاه فرمایند که به قول شیخ اجل «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد»

مریم منفرد نعمتی

دی ماه ۹۱

فصل اول : کلیات

بخش اول

- فولکلور
- خصوصیات افسانه
- انواع قصه ها
- علت ماندگاری قصه ها

بخش دوم

- بیان مسئله و هدف تحقیق
- پیشینه تحقیق
- فرضیات تحقیق
- روش انجام کار

فولکلور

فولکلور، در زبانهای اروپایی به مجموع دانستنی‌ها و معتقدات و معارف و کمالات و سنن و آداب و اقوال توده مردم گفته می‌شود که در زبان فارسی مترادف است با ترکیباتی چون فرهنگ عامه مردم، افسانه، قصه... فولکلور به منزله آینه ای است که چهره واقعی، خصلتهای عینی، ویژگیهای روحی، ذوقی و فکری اقوام و قبایل جهان را در آن می‌توان دید و از خلال قصص و معتقدات و اسطوره‌ها و تمثیلات و آداب و ترانه‌ها و لطیفه‌های یک قوم و قبیله، خلق و خوی و سرشت و سرگذشت آن قوم را می‌توان شناخت و بر سوانح و حوادثی که براو گذشته، پی برد.

اصولاً فولکلور منعکس کننده احوال و افکار و آرزوهای طبقات محروم و پایین اجتماعی است و هنگامی از اشراف صحبت می‌شود که طبقات محروم به ناچار ضمن امرار معاش و تحصیل روزی با آن‌ها برخورد می‌کنند.

قصه^۱

قصه‌ها بخش مهمی از فولکلور ملتها را تشکیل می‌دهند، قصه‌ها و افسانه‌های هر ملت و کشوری دارای ویژگیهایی است که آنها را از افسانه‌های ملل دیگر متمایز می‌کند در شرایط اقلیمی مختلف و از میان حوادث و شرایط تاریخی گوناگون افسانه‌هایی با خصوصیات متنوع و مختلف زاده می‌شود. شرایط اجتماعی مردم و سیاست حاکم در جامعه، در شکل‌گیری و ساختار و مضمون این قصه‌ها دخیل است. خالقان قصه‌ها چون به طور مستقیم نمی‌توانستند نظرات خود را در مورد نظام حاکم بیان کنند آنها را در قالب قصه‌هایی به زبان حیوانات به طور غیر مستقیم بیان می‌کردند، بنابراین در افسانه‌های رایج در بین ملل مختلف، هر یک از شخصیت‌های غیر انسانی نماد و مظهر یکی از شخصیت‌های جامعه هستند. (افسانه‌های آذربایجان، صمد بهرنگی و بهروز دهقانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱)

قصه‌ها از قدیمی‌ترین نمونه‌های بازمانده مربوط به آداب و رسوم و اعتقادات فرهنگی ملت‌ها است که مثل آینه‌ای سیمای ارزشی و فرهنگی اقوام مختلف را نشان می‌دهد.

۱- به دلیل عدم مرزبندی بین واژه‌های قصه، افسانه و داستان در ادبیات ایران در پژوهش حاضر این سه واژه تداخل معنایی پیدا کرده‌اند.

• خصوصیات قصه‌ها

واژه قصه به معنی داستان، سرگذشت و افسانه است. در زبان فارسی اصطلاحاً قصه‌ها را به سه معنی آورده‌اند: یکی به معنی شعرهای هجایی که برای سرگرمی کودکان می‌خوانده‌اند، دوم گونه‌ای قصه‌منثور است که اغلب از زبان حیوانات گفته شده و سرگذشت آنها را بیان می‌کند، این گونه را «داستان» و «افسانه» می‌گویند. گونه سوم غالباً برای سرگرمی و نوعی آموزش فرازو نشیب‌های زندگی برای کودکان گفته می‌شود، این قصه‌ها در فارسی بیشتر با جمله‌هایی مثل: «یکی بود، یکی نبود»، «روزی بود و روزگاری بود»، «سالها پیش از این»، «بودند و ما نبودیم»، و مانند اینها آغاز می‌شود.

اساس جهان بینی در قصه‌ها اغلب بر مطلق‌گرایی استوار است یعنی اینکه قهرمان‌های قصه یا خوب هستند یا بد. قهرمان‌های «نه خوب و نه بد» و بینابین در قصه‌ها پیدا نمی‌شوند و تعارض و تضاد بین خوبی و بدی یا قهرمان خوب و آدم بد، رویدادهای قصه را تشکیل می‌دهد.

حادثه‌ها و ماجراهای قصه‌ها، تابع رابطه علت و معلولی نیست بلکه از اصل برانگیختن اعجاب پیروی می‌کند و توالی رویدادهای غیر عادی، هیچ رابطه منطقی را دنبال نمی‌کند. (ایران داک. بخش مقالات).

در زبان فارسی اصولاً دو اصطلاح خاص فنی برای قصه وجود دارد یکی از آنها «قصه» است که حکایات تاریخی و داستانهای خیالی را در بر می‌گیرد و اصطلاح دیگر «افسانه» است که عنصر اساسی آن سحر و جادو می‌باشد. (مارزلف، ۱۳۷۱: ۳۸)

• انواع قصه‌ها

انواع قصه هابدین قرار است: ۱- قصه‌های مربوط به حیوانات ۲- قصه‌های به معنی اخص ۳- قصه‌هایی که جنبه شوخی دارند (شوخیها و لطیفه‌ها) ۴- قصه‌های مسلسل.

لازم به ذکر است که قصه‌های به معنی اخص به اجزای زیر تقسیم می‌شود: ۱- قصه‌های سحر و جادو، ۲- مربوط به اولیاءو شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی، ۳- قصه‌هایی با جنبه داستان کوتاه، ۴- قصه‌های دیو ابله. (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۰)

• علت ماندگاری قصه ها

قصه هاعمري به قدمت عمر انسان دارند. از هنگامي که انسان ها قدرت تفکر پيدا کردندوبه توضیح و تفسیر طبيعت و جامعه پرداختند و این مقوله را در قالبهایی چون نقاشی ، قصه و افسانه نسل به نسل به یکدیگر منتقل ساختند و می سازند، قصه ها در زندگی انسان ها نمود پیدا کرده است . قصه به طرح مسائل زندگی مردم در قالبی جذاب ، پرکشش ، سرگرم کننده و ساده می پردازد که این امر یکی از دلایل فراگیر شدن قصه ها است . البته ذکر این نکته نیز لازم است که فقط این عوامل جذابیت و کشش ، علت دوام حیات قصه ها نیست بلکه آن چه قصه ها را تداوم حیات بخشیده ضرورتی درونی و سطح فرهنگی جامعه است (ایران داک ، بخش مقالات)

در زمان حاضر نیز با شکلهای متفاوتی از افسانه ها روبرو هستیم که نشانگر این است که افسانه ها هنوز هم به حیات خود ادامه می دهند و زوال نیافته اند منتهی به شکل متفاوت در قالب فیلم های ویدئویی جدید با موجودات کامپیوتری مشاهده می شود و متوجه می شویم که افسانه ها در این زمان تغییر شکل داده اند .

• نقل و انتقال قصه ها

اهمیت فراوان مجموعه های بزرگ قصه های شرقی مانند سندباد نامه ، کلیله و دمنه و یا هزارو یک شب از دیر باز بر همگان آشکار است ، به موازات این تدوینهای قدیمی قصه باز روایتهای شفاهی هم وجود دارد که به عنوان بقایا یا انعکاس منابع کتبی از دست رفته امروز می توانند دارای اهمیت باشند .

قصه های ایرانی از سه جنبه دارای اهمیت هستند :از یک طرف ایران کشور فرهنگی کهنسالی است که در آن امروزه نیز روایات عامیانه بازگوی تصورات و سنتهای باستانی است. از جانب دیگر باید در نظر داشت که ایران سر راه ارتباطی بین هند و اروپا قرار دارد، هر چند دیگر این ارتباط از تأثیر و نفوذ سابق برخوردار نیست با وجود این نمی توان اهمیت آن را نادیده انگاشت . این راه ارتباط به احتمال وسیله انتقال و سیرو سفر قسمت قابل ملاحظه ای از قصه های موجود هند و اروپایی بوده است. سوم اینکه روایت فارسی قصه هایی را حفظ و نگهداری کرده است که میراث مشترک همه کشورهای است که دارای فرهنگ اسلامی هستند و این روایت به خصوص ادامه زندگی مضامین قصه هایی را که اصل و منشأ عربی دارند تا زمان حاضر حفظ و مستند می کند . (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۳).

اما در خصوص قصه های ایرانی باید گفت که وجود مشترکات فرهنگی ، اجتماعی ، تاریخی و ارزشهای اخلاقی شبیه به هم در بین قصه های عامیانه ایرانی به خصوص سه منطقه آذربایجان ، مازندران ، لرستان بازگو کننده این مطلب است که حتماً ارتباطی بین مردم این سه منطقه وجود داشته است که باعث شکل گیری

قصه‌هایی با وجوه مشترک شده است. از جمله عواملی که باعث شده قصه‌های این سه منطقه تا حدودی به هم شباهت داشته باشند انتقال این قصه‌های عامیانه از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و از نسلی به نسل دیگر است. عامل دیگر این شباهت‌ها پیوستگی نژادی و فرهنگی و مشترکات تاریخی و تمدن دیرینه ایران زمین است چرا که در گذشته سرزمین ایران یکپارچه بوده و بعد از مدتی به مناطق مختلف تقسیم بندی شده است. بنابراین، این یکپارچگی باعث شده بن مایه‌های فرهنگی و اخلاقی قصه‌های عامیانه ایرانی در کنار تفاوتها از وجوه مشترکی برخوردار باشند. از طرفی وضعیت جغرافیایی این مناطق و بازتاب این عامل در وضعیت زندگی مردم باعث شکل‌گیری قصه‌هایی با درون مایه‌ها و ارزشهای اخلاقی و با تیپ‌های شخصیتی متفاوت شده است. وجود دین مشترک در بین اکثریت اقوام ایرانی نیز می‌تواند یکی از عوامل وجود مشترکات درون مایه‌ای قصه‌های عامیانه این مناطق باشد.

نقالان و قصه‌گویان که در قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های سنتی به داستان‌گویی می‌پرداختند و از شهری به شهر دیگر مسافرت می‌کردند عامل دیگری برای انتقال قصه‌ها از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر می‌باشند که این خود باعث آمیختگی قصه‌های عامیانه مناطق ایران شده است و این قصه‌گویان دوره گرد داستانهای فولکلور محلی را گسترش می‌دادند و چاپارداران و دراویش نیز در این میان نقش مهمی ایفا می‌کردند. (بیری سبیک ۱۳۸۴:۷۸)

• بیان مسئله و هدف تحقیق

موضوع اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی درون مایه‌های قصه‌های عامیانه مناطق آذربایجان، مازندران، لرستان و شناخت وجوه مشترک و متفاوت قصه‌های این مناطق است، شایان ذکر است که علی‌رغم اختلافات موجود از حیث و سطح بیرونی فرهنگ این مناطق، همسانی و مشابهت درون مایه‌های قصه‌ها مؤید وحدت اعتقادی و فرهنگی این مناطق است.

قصه‌نمودار قسمت مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی است. ارزشهای سنتی و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی و همچنین حوادث و سوانح اجتماعی در آن انعکاس پیدا می‌کند، بنابراین لزوم تحقیق در این حوزه به این علت است که بتوان به کشف روابط بین فرهنگها و نکات مشترک اعتقادی، بومی و محلی نایل شد. فولکلور نتیجه جریان اندیشه مردمان زحمتکش و محروم جامعه که پیوسته در کار و فعالیت و وابسته دنیای عمل اند بوده و حالت جمعی دارد. (مارزلف، ۱۳۷۱:۱۵)

هدف از انجام این تحقیق مقایسه قصه‌های مربوط به نقاط مختلف کشور می‌باشد تا با تنظیم این تحقیق دری از دنیای بیگانه و ناشناس قصه‌های ایرانی بر روی علاقمندان به این حیطة نشان داده شود و فراتر از اینها علاقه و توجه علمی به تحقیق در این خصوص مرا به انجام این پژوهش سوق داد.

با مطالعه در قصه های مناطق مختلف ایران درصدد هستیم تا وجوه مشترک فرهنگی و اعتقادی موجود در میان آنها را بررسی کنیم و در صورت وجود اختلاف در میان آنها موارد را به طور مشخص نشان دهیم این پژوهش مبتنی بر این فرضیه است که اقوام ایرانی علی رغم اختلاف قومی، زبانی و محیط جغرافیایی دارای وجوه مشترک تاریخی هستند که قصه های موجود در فرهنگ این اقوام نیز مؤید چنین اشتراکاتی است .

این پژوهش شامل بررسی عناصر ساختاری و محتوایی قصه های سه منطقه مختلف کشور و نیز پیدا کردن مشترکات فرهنگی و اعتقادی آنها و نیز آداب و رسوم رایج در آنها می باشد و اینکه این قصه ها با وجود همه تفاوت‌های دارای بن مایه های مشترکی هستند. ضرورت دیگر انجام این پژوهش به این خاطر است تا به این سؤال پاسخ دهد که مضامین قصه ها در کجا و در چه مقتضیات فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده است .

• پیشینه تحقیق

سراغز پژوهش علمی در زمینه قصه ها به قرن ۱۹ باز می گردد و از تاریخ انتشار مجموعه عظیم برادران گریم «یا کب و ویلهلم» (۱۸۱۲-۱۸۱۵) فراتر نمی رود این دو تن بودند که آگاهی را در ذهن جهانیان در مورد ارزش و اهمیت قصه بیدار کردند. افراد دیگری چون : اسکارمان، آرتور کریستن سن، فیلوت ، لوریمر و هانری ماسه از جمله کسانی هستند که کارهای اساسی و مبنایی در خصوص گردآوری قصه های عامیانه ایران انجام داده اند.

به موازات این کارهای اساسی و مبنایی محققین غربی، باید شروع کار واقعی در زمینه ادراک اهمیت قصه و تحقیق در آن را قبل از همه مدیون خود ایرانیها و در وهله اول فضل الله مهتدی ملقب به «صبحی» باشیم این شخص در اواخر سال سی ام قرن ۱۴ قصه گویی در رادیو را آغاز کرد و هربار کار خود را با این درخواست به پایان رساند که باز هم قصه های دیگری برای او بفرستند. وی این قصه ها را در قالب مجلدات کوچک چاپ کرد. بنابراین باید «صبحی» را نخستین فردی بدانیم که برای ارائه قصه های ایرانی با اسلوبی منظم گام برداشته است. مجموعه های دیگری نیز در سالهای بعد در ایران انتشار یافت از جمله به آثار حسین کوهی کرمانی، ابوالقاسم فقیری، امیر قلی امینی باید اشاره کرد. اما کار گردآوری جدی و اصولی قصه ها در ایران از آغاز سال هفتادم قرن بیستم به دست جانشین صبحی در رادیو یعنی سید ابوالقاسم انجوی شیرازی که از روش سلف خود تبعیت می کرد و مقدار قابل توجهی از قصه ها، افسانه ها و حکایات را گردآورد، عملی شد، وی این گردآورده ها را در سلسله ای از نشریات که مخصوص این امر ایجاد شد، منتشر کرد. در کنار این فعالیت مخصوص جمع آوری که بیشتر جنبه خصوصی و فردی داشت، محققین موزه مردم شناسی تهران نیز سرگرم کار قصه هستند و اولین ثمره کارهایشان نیز منتشر شده است و از این قبیل است انتشارات

مرتضی هنری، محسن میهن دوست و کاظم السادات اشکوری. کارهای تحقیقاتی ل.پ.الون ساتن نیز در این مورد شایسته توجه خاص است. وی از دیر باز و گاه با همکاری نزدیک با دانشمندان ایرانی به قصه های ایرانی عنایت کرده است و امروزه مجموعه خصوصی وسیعی از قصه را در اختیار دارد. (مارزلف، ۱۷:۱۳۷۱)

در ایران به شهادت مدارک و شواهدی که در دست است، بحث و تحقیق درباره فرهنگ مردم از روزگاران کهن و دوران پیش از اسلام، فرزندان و هنرمندان شناخته و گمنام بدین مبحث توجه داشته اند این بهره وری از افکار و قصص و تمثیلات در دوره اسلامی ایران نیز ادامه یافت و در آثار گوناگون، بهره مندی از قصه ها مشهود است اولین تلاش برای فهم و ادراک قصه های ایرانی به صورت جامع و بااللوب منظم از طرف "آدرین بولون" به عمل آمده است اما همان طور که گفته شد گردآوری جدی و اصولی قصه ها در ایران از آغاز سال هفتادم قرن بیستم توسط فضل الله مهتدی ملقب به صبحی و بعد از او توسط ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.

بنابر این بعد از مطرح کردن پیشینه فولکلور و اینکه چه کارهایی در این حوزه صورت گرفته است و کار جمع آوری قصه ها توسط چه کسانی انجام گرفته است باید گفت که مقایسه تطبیقی قصه های مناطق آذربایجان، مازندران، لرستان تاکنون انجام نگرفته است و راقم این سطور را سعی بر آن است تا با انجام این پژوهش جای خالی این تحقیق را در میان آثار ادب فارسی پر کند.

فرضیات تحقیق

- ۱- با وجود اختلاف قصه های عامیانه بن مایه های آنها مشترک است.
- ۲- از طریق قصه های عامیانه می توان به کشف روابط بین فرهنگ و نکات مشترک اعتقادی بومی و محلی نایل شد.
- ۳- قصه های عامیانه ایرانی شالوده اصلی میراث فرهنگی اقوام ایرانی را تشکیل می دهند.

روش انجام کار

این تحقیق به شیوه کتابخانه ای انجام شده است پس از تصویب موضوع با اساتید راهنما و مشاور درباره جوانب کلی و حدود و ویژگیهای موضوع صحبت شد. برای دست یابی به اطلاعات کلی و زیر بنایی در خصوص قصه ها به منابعی مراجعه شد از جمله می توان به این موارد اشاره کرد :

۱- طبقه بندی قصه های ایرانی ، اولریش مارزلف، ترجمه کیکاووس جهاننداری

۲- ریشه های تاریخی قصه های پریان، ولادیمیر پراپ، ترجمه فریدون بدره ای

۳- ادبیات فولکلور ایران، پیری سیپک ، ترجمه محمد اخگری

در مرحله بعدی کتابهایی در خصوص افسانه های آذربایجان ، مازندران ، لرستان مورد مطالعه قرار گرفت و اطلاعات مخصوص به آنها در فیش های جداگانه یادداشت شد و بعد از جمع آوری اطلاعات در خصوص عناصر و ساختار ، زبان ، نوع ، شخصیتها، پیام های اخلاقی ، وضعیت مالی و اجتماعی و جایگاه زنان، به بررسی تطبیقی عناصر همه جانبه این قصه ها و بیان وجوه مشترک و متفاوت آنها پرداخته شد بالاخره این پژوهش در پنج فصل شامل :

فصل اول : کلیات

فصل دوم : بررسی افسانه های آذربایجان

فصل سوم : بررسی افسانه های مازندران

فصل چهارم : بررسی افسانه های لرستان

فصل پنجم : بررسی شباهتها و تفاوتهای قصه های سه منطقه از نظر ساختاری، درون مایه ای و شخصیتی و در آخر نتیجه گیری کلی، ساماندهی شد.

فصل دوم

افسانه های آذربایجان

در این فصل به بررسی ساختاری و محتوایی ۴۰ داستان از افسانه های آذربایجان پرداخته شده است، بررسی که در آن منابع مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است که اصلی ترین آنها کتاب (افسانه های آذربایجان، روایت صمدبهرنگی، بهروز دهقانی، تهران، مجید ۱۳۷۹) است. لازم به ذکر است که همه ی منابع به فارسی معیار برگردانده شده و در قسمتهایی از داستانها بر حسب لزوم از لغات ترکی نیز استفاده شده است.

داستان: دختر حاج صیاد

آغاز داستان: روزی روزگاری مردی بود پایان داستان: ساده به پایان می رسد بدون اینکه از جمله خاصی استفاده بشود .

زبان قصه : ساده و بیشتر به صورت محاوره و عامیانه است تا ادبی و کتابی

نوع قصه : این داستان را می توان از انواع قصه ها جزء قصه هایی با جنبه داستان کوتاه قرارداد .

آرایش های کلامی : از جمله آرایش های کلامی در این داستان استفاده از ضرب المثل : «آبرو را خورده

حیا را کمرش بسته» (بهرنگی صمد، دهقانی بهروز ، ۷۷:۱۳۷۷)

کنایه: «زیر کاسه نیم کاسه ای است» (همان ، ص ۱۹)

شخصیتهای داستان :

- پری : دختری پاکدامن و زیبا رو،

- حاجی صیاد :مرد بازرگان و تاجری که مدام در سفر است ، زود به اشخاص اعتماد می کند چنانکه بدون هیچ گونه تحقیق از شخصی به نام رمال که معلم دخترش _ پری_ بود دخترش را به او می سپارد و خودبه سفر می رود.

رمال: شخصی که حاجی صیاد دخترش را به او سپرد تا مواظب او باشد ، نماد افراد ریاکار و چاپلوسی است که از اعتماد مردم سوء استفاده می کنند و رسم امانتداری را به جا نمی آورند در ظاهر خود را فردی مقدّس نشان می دهند در حالیکه باطنی پلید و شهوت ران دارند و از جایگاه اجتماعی خود سوء استفاده کرده و دست به هر کاری می زنند و ادعای پاکدامنی می کنند .

-پادشاه : پادشاه در این قصه شخصیت مثبتی دارد، از ویژگیهای او این است که زود عاشق دختری می شود که فقط یک بار او را دیده است ، دل به او می بازد و با او ازدواج می کند نکته قابل توجه در این داستان این است که پادشاه زود عاشق پری می شود ولی به این عشقش پایبند است و او را رها نمی کند تا جائیکه از پری ، صاحب دو فرزند می شود و چنان دلباخته پری است چنانکه وقتی پری از دست توطئه وزیر به شهر خود پناه می برد پادشاه برای پیدا کردن او به شهر پری می رود بنابراین مطالب می توان گفت که شخصیت پادشاه در این قصه مثبت بوده است نسبت به قصه های دیگر که پادشاه زود عاشق می شود و زود هم دل می برد(همان، ص ۱۹)

-وزیر:شخصیت توطئه گر و بی رحم که بویی از عاطفه نبرده است چرا که برای برآوردن امیال شیطانی خود دست به ریختن خون فرزندان پری می زند(همان ، ص ۱۹)

-چوپان : نماد افرادی که حامی مردم هستند و همچون راهنمایی در بیابان به مردم کمک می کنند.(همان ص ۲۰)